

هنوز آهن پاره‌های ریز و درشتی که از بقایای ماشین‌های خرد و خمیر شده باقی مانده‌اند در خیابان شهید اندرزگو باقی است و ساختمان بلندبالای دودزده و نیمه‌وبران همسایه مجتمع کوهنور در تشویش و تردید برقرار مانده و فرور یختن حیران مانده است. ساختمانی که کامران زندگی می‌کند، در همسایگی این ساختمان قرار گرفته است. وقتی موشک‌های رژیم صهیونیستی طبقه بالایی این ساختمان را به آتش کشید، کامران از نخستین اهالی خیابان بود که صدای وحشتناک اصابت موشک به ساختمان مجاور خانه‌اش را شنید. همسایه‌های کامران می‌دانستند او بعد از مهاجرت خواهر و برادرش به تنهایی در آپارتمانش زندگی می‌کند، ولی نمی‌دانستند لرزش و ورعشه‌هایی که گاه و بی‌گاه سرافش می‌آید، از آثار بیماری ام‌اس اوست. آن روز در حالی که نیروهای انتظامی و امدادی در حال تخلیه ساختمان آسیب‌دیده و سروسامان دادن ساکنانش بودند، اگر همسایه‌های کامران او را به بیمارستان نرسانده بودند شاید برای همیشه اسیر صندلی چرخدار می‌شد.

بیمارداری همسایه‌ها



قصه‌های رنگی، تهران خاکستری

همسایه‌داری مردم تهران در روزهای جنگی



عکس: همشهری/احمد خورشیدی

همسایه‌هایی که همخانه شدند

بامداد شنبه که پیاده‌های رژیم صهیونیستی به آسمان کوچک‌ترین و جنوبی‌ترین منطقه پایتخت حمله کردند، ساکنان بی‌خواب ساختمان قدیمی خیابان شهید برزو هم با هول و هراس به این معرکه گردانی دشمن در قلب محله مسکونی پرجمعیت خود چشم دوخته بودند و نمی‌دانستند پهلپاد پر نور دنباله‌داری که از پشت دبستان دخترانه ایثار صفر کشان به طرف آنها می‌تازد، وسط پذیرایی آپارتمان استیجاری ۴۵متری طبقه دوم فرود می‌آید. وقتی اهالی این ساختمان کارگر نشین جنوب‌شهر به توصیه نیروهای امدادی آن را تخلیه کردند تا سقف لرزان خانه فرسوده آنها بر سرشان فرود نیاید و یک شهید و ۹ مصدوم این جنایت صهیون‌ها، به قربانیانی

مهربانی در روزهای سخت

درباره آنها که در این روزهای سخت تا آنجا که دست‌شان می‌رسد، کاری می‌کنند



سحر جعفریان عصر

روزنامه‌نگار

صبح که مثل همیشه شال و کلاه می‌کردند بروند بی‌کار و بارشان، ترس به جان داشتند اما خیر و چاره‌شان در این بود که دل ببندند به امیدی که آن نیز گری‌نرم به جانشان داشت. رفتند و کمترشان فکر می‌کردند عصر وقتی قصد خانه می‌کنند برایشان خانه و سر و همسری بر جای نمانده باشد. از چهار دیواری اجاره‌ای و همه‌اهلش فقط تل و پشته‌های آغشته به اسباب زندگی از تلویزیون خیلی‌اینج که هنوز قسطش تمام نشده تا فرش بنه‌جقه‌ای تار و پود دررفته و کتاب و فنجان‌های شکسته جای تلنبار باقی مانده‌است. صبح، آخرین دیدارشان بود و خدایم داند وقت عصر در سر چند نفرشان این جمله چرخید که «تا گه‌ان چقدر زود، دیر می‌شود...». حالا جنگ برای اینها به یک واژه با هزار آوار تبدیل شده که یکی از آن هزار آوار بعد از غم و داغ و تقلاهای پوچ شده شاید دیگر سقفی نداشتن باشد؛ آواری سنگین که این روزها کسانی به مهربانی آستین بالا زده‌اند تا از سر جنگ‌زدگان یک شبه بی‌مزل و مضطرب شده، بردارند.

جنگ با هزینه و مهربانی اما مجانی

شاید برای اسرائیلی‌ها ماه‌ها طول کشیده باشد تا بعد از صرف بسیار وقت و هزینه آن‌هم با تسلیحاتی خریداری شده نیمه‌شبی، چنین وحشی‌گری کنند اما برای ایرانی‌ها بیشتر از چند ساعت زمان نبرده تا بی‌مزد و بدون منت آن‌هم با هر چه در توش و توان دارند نیکی کنند و در دجله خروشان از جنگ اندازه‌اند. گواش هم اطلاع‌رسانی و آگهی انواع مهربانی و مهرورزی‌هایی است که کمی بعد از شکسته شدن سکوت، شیشه و خواب پایتخت‌نشینان در سحرگاه ۳۲ خرداد در فضای مجازی پر شد؛ از اقامت رایگان در سرپناهی کم‌امکانات در مسافرخانه یا سوئیتی آبرومند در یکی از طبقات مهمان‌خانه و حتی اتاقی همه‌چی تمام در هتلی چند ستاره.

مهمان‌ناوای ایرانی به غلط اسرائیلی، در!

مهمان‌خانه‌داری در یکی از محله‌های مرکزی تهران نوشت: «همشهری عزیز؛ حالا اسرائیل به غلطی کرد، ما که نمودیم. خانه اگر نداری قدمت سر چشم»، بوتیک هتل‌داری در منطقه بیلاقی شمال شرقی شهر اطلاع‌رسانی کرد: «مادگی خود را جهت اسکان خانواده‌هایی که منازل خود را بر اثر حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی از دست داده‌اند، اعلام می‌کنیم» و مسافرخانه‌داری قدیمی حوالی میدان راه‌آهن که سواد و حوصله کسبش چسباند که «اینجا شهر خودت هست و این مسافرخانه هم خانه خودت. غربی‌ی نکن و رایگان مهمان باش».

قبل از جنگ چند میلیون تومان، وقت جنگ، مجانی

کمی بعدتر این مهربانی‌ها در جایها، کیش، شیراز، مشهد، مازندران، کرمانشاه و یزد ریشه زد و آگهی‌های امیدوارکننده از این دست بی‌در پی منتشر شد. قیمت هر شب اقامت در اتاق‌های بوتیک هتل از ۵ تا ۸ میلیون تومان است که این روزها رایگان پذیرای جنگ‌زدگان است. مدیر این بوتیک هتل به خبرنگار همشهری می‌گوید: «از دومین شب حمله اسرائیل تاکنون میزبان ۱۱ خانواده بودیم. متأسفانه ظرفیت محدود داریم ولی با این حال دست رد به سینه آنها که خانه‌شان غیرقابل سکونت شده و از کلاترتری محل گواهی تخریب ساختمان‌شان را می‌آورند، نمی‌زنیم.»



اولین تلویزیون رسانه‌ای در شبکه نمایش خانگی

#اطلاع-رسانی #آموزش #فیلم-و-سریال

HAMSHAHRI TV
همشهری

